

موانع و محدودیت های دیوان کیفری بین المللی در رسیدگی بر جرایم حافظان صلح

بهمن مجرد آیلاز *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۵

چکیده

عملیات حفظ صلح ملل متحد به عنوان ارکان فرعی شورای امنیت از مزایا و مصونیت ملل متحد برخوردار است. در برخی از مأموریت ها گزارش هایی از نقض حقوق بشر و بشر دوستانه توسط نیروهای حافظ صلح به گوش می رسد، اما مصونیت آنان مانع از تعقیب کیفری در دادگاه دولت میزبان می باشد و تنها دادگاه صالح برای رسیدگی به جرایم این نیروها، علاوه بر دادگاه ملی دولت فرستنده، دیوان کیفری بین المللی می تواند باشد. هرچند در دیوان کیفری بین المللی، مصونیت مانع از رسیدگی نمی شود، اما این دیوان هم در رسیدگی به جرایم حافظان صلح با موانع و محدودیت هایی مواجه است که از آن جمله می توان صلاحیت دیوان در رسیدگی به جرایم اشاره کرد، زیرا دیوان کیفری صلاحیت رسیدگی به همه جرایم حافظان صلح را ندارد و صلاحیت دیوان کیفری بین المللی محدود به مهمترین جرایم بین المللی مربوط به جامعه بشری است. همچنین مطابق بند دوم ماده ۹۸ اساسنامه رم، برخی کشورها به معاهدات دو جانبه با دیگر دولت ها روی آورده اند. این نوع موافقت نامه ها که به «موافقت نامه های ماده ۹۸» معروف هستند، در جلوگیری از تعقیب و تحقیق اتباع برخی دولت ها توسط دیوان کیفری بین المللی منجر شده است. علاوه بر آنها دیوان تنها می تواند نسبت به دولت های عضو اساسنامه اعمال صلاحیت نماید ولی در صورتی که وضعیت از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع شده است، رضایت هیچ دولتی اعم از عضو و غیر عضو شرط اعمال صلاحیت دیوان نیست.

کلمات کلیدی: موانع و محدودیت - دیوان کیفری بین المللی - حافظان صلح سازمان ملل.



مقدمه

وجود نیروهای حافظ صلح، همانند گذشته از ملزومات تأمین صلح و امنیت تلقی می‌گردد. بدون وجود این نیروها ممکن است صلح و امنیت بین‌المللی در معرض خطر قرار گیرد. برای اینکه دولت‌ها از عملیات حفظ صلح حمایت کنند و اطمینان حاصل کنند که نیروهایی که به این عملیات اعزام می‌کنند مورد حمایت هستند، لازم است که به نیروهای حافظ صلح مصونیت اعطا شود؛ اما نباید فراموش شود که علت اعطای این مصونیت کسب رضایت دولت‌های فرستنده نیرو برای اعزام نیرو نیست، بلکه مصونیت باعث می‌شود که نیروهای حافظ صلح با دغدغه کمتری از تعقیب قضایی، برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تلاش کنند؛ اما اگر برخی از این نیروها از مصونیتی که قرار بود، در جهت توسعه هدف حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بکار گرفته شود، در مقابله با این هدف بکار بگیرند و به عبارتی از مصونیت خود سوء استفاده کنند و مرتکب جرم شوند، دیوان کیفری بین‌المللی چگونه می‌تواند با توجه به صلاحیت خود به این نوع جرایم رسیدگی کند. مسلماً دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جرایم این افراد با موانع و محدودیت‌هایی مواجه است که در این مقاله به آنها می‌پردازیم.

صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی بر جرایم حافظان صلح

مسئولیت بین‌المللی دولت که در حقوق بین‌الملل مطرح هست، مسئولیت حقوقی دولت‌ها می‌باشد، چرا که در چارچوب فعلی حقوق بین‌المللی مسئولیت کیفری برای دولت پذیرفتنی نیست و منظور از مسئولیت کیفری در حقوق بین‌الملل، مسئولیت کیفری برای افراد به خاطر نقض قواعد حقوق بین‌الملل، بویژه حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر است؛ بنابراین در نظام حقوق بین‌المللی، افراد را می‌توان بخاطر نقض قواعد راجع به حقوق بشر و بشردوستانه که بخش مهمی از حقوق بین‌المللی محسوب می‌شوند، محاکمه و مجازات کرد.

نخستین محاکمات کیفری بین‌المللی در دادگاه‌های نورمبرگ و توکیو، صورت گرفت و پس از آن در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ به دنبال نقض‌های شدید حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در سرزمین‌های یوگسلاوی سابق و رواندا، شورای امنیت به موجب فصل هفتم منشور و ضمن توصیف این نقض‌ها به عنوان تهدید و یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای به تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای محاکمه مرتکبین این نقض‌ها اقدام کرد و پس از آن دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان نهاد مستقل و دائمی کیفری بین‌المللی تأسیس و پذیرفته شد (نژندی منش، ۱۳۸۹: ۸۲-۸۳).



صلاحیت دولت میزبان در رسیدگی به جنایات صورت گرفته نیروهای حافظ صلح در منطقه در حال جنگ یا پس از جنگ به این دلیل که قاعده و قانون کمتری وجود دارد و بر اساس موافقت نامه سوفا صلاحیت رسیدگی به این جرایم در اختیار دادگاه دولت فرستنده نیرو قرار گرفته است، معمولاً ممکن نیست. به همین دلیل نیاز به یک محکمه دیگری برای تعقیب قضایی دیده می شود. بر این اساس اگر جنایات نیروهای حافظ صلح به حد جنایات بین المللی برسد، دیوان کیفری بین المللی یک محکمه مناسبی برای رسیدگی به آن خواهد بود، چرا که دیوان کیفری بین المللی صلاحیت رسیدگی به همه جرایم را ندارد. مثلاً در پی درخواست جمهوری دموکراتیک کنگو، دیوان کیفری بین المللی نسبت به جرایم شدیدی که در طول این دوره از جنگ رخ داده بود، تحقیقات خود را شروع کرد. (جمهوری دموکراتیک کنگو عضو اساسنامه رم می باشد).

همچنین بر اساس ماده ۲۵ اساسنامه رم که مقرر می دارد: «دیوان مطابق این اساسنامه بر جرایم اشخاص حقیقی صلاحیت خواهد داشت»، می توان گفت که در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، مسئولیت کیفری شخص حقیقی مورد اشاره قرار گرفته است و دیوان صلاحیت رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی را ندارد. بر این اساس مسئولیت کیفری فردی نیروهای حافظ صلح تاثیری بر مسئولیت حقوقی دولت ها و سازمان ملل نخواهد داشت. «در اولین دادگاه هایی هم که به منظور رسیدگی به جرایم بین المللی و تحقق عدالت کیفری بین المللی از طریق تعیین مسئول کیفری جنایات ارتكابی بر پا شد، این انسان ها بودند که محاکمه می شدند، نه دولت هایشان» (فیوضی، ۱۳۶۷: ۱۳۳).

این مسأله که آیا نیروهای حافظ صلح در مقابل صلاحیت قضایی دیوان مصونیت دارد یا نه محل بحث های زیاد در مذاکرات مربوط به کنفرانس رم بود. پیشنهاد فرانسه این بود که نیروهای حافظ صلح از مسئولیت کیفری بین المللی معاف باشند. این پیشنهاد در قالب بند ۲ ماده ۲۶ پیش نویس اساسنامه در جلسه مورخ ۳۰-۱۹ ژانویه ۱۹۸۸ در زوپن^۱ هلند مطرح گردید. این پیشنهاد عبارت از این بود که «افرادی که حسب دستور شورای امنیت یا در اجرای یکی از قطعنامه های شورا در عملیاتی مشارکت نمایند، نباید در مقابل دادگاه مسئولیت کیفری داشته باشند». این پیشنهاد نه در کمیته تدوین مقررات دادگاه کیفری بین المللی مطرح شد و نه در خود اساسنامه ذکری از آن به میان آمد (کارستن استان، ۱۳۸۴: ۲۴۲).

^۱. Zutphen.



بنابراین می توان گفت موافقت نامه هایی که به صورت جداگانه بین سازمان ملل با دولت میزبان و سازمان ملل با دولت فرستنده نیرو منعقد می شود و رسیدگی به جرایم نیرو های حافظ صلح را تحت صلاحیت قضایی دولت اعزام کننده نیرو قرار می دهد و برای نیرو های حافظ صلح مصونیت به بار می آورد، بمنزله داشتن مصونیت در دیوان کیفری بین المللی همانند دادگاه ملی دولت میزبان نیست؛ زیرا این نیروها به عنوان مقام رسمی مشمول بند ۲ ماده ۲۷ اساسنامه رم هستند. در این بند تصریح شده است که: «مصونیت ها یا قواعد شکلی ویژه ای که بموجب حقوق داخلی یا بین المللی در مورد مقامات رسمی اجرا می شوند، موجب نمی شود که دیوان نتواند صلاحیت خود را نسبت به آن اشخاص اعمال کند»؛ اما همین موافقت نامه یا موافقت نامه های دیگر می تواند مانع از تحویل نیرو های حافظ صلح متخلف به دیوان کیفری بین المللی شود یا نه مسئله ای که ریشه آن به ماده ۹۸ اساسنامه رم بر می گردد. یکی دیگر از موضوعات قابل بحث در رابطه با صلاحیت دیوان نسبت به نیروهای حافظ صلح، ماده ۹۸ اساسنامه رم است که به موجب بند دوم آن: «دیوان نمی تواند تحویلی را درخواست نماید که دولت مورد درخواست، مجبور شود برخلاف تعهداتی عمل کند که بموجب قراردادهای بین المللی می بایست رضایت دولت فرستنده را برای انجام این تحویل کسب کرده باشد. مگر اینکه دیوان در ابتدا همکاری آن کشور تحویل دهنده را به منظور اعلام رضایت برای تسلیم شخص جلب نماید». این ماده به دولت های عضو اساسنامه رم که شخص مورد درخواست دیوان در سرزمین آنان حضور دارد، اجازه می دهد که تعهدات خود بموجب موافقت نامه بین المللی که مانع از انتقال چنین اشخاصی به دیوان می شود را اجرا نماید.

برای اینکه اعضای نظامی آمریکایی بر اساس ماده ۱۶ اساسنامه رم مصونیت بدست بیاورند، آمریکایی مطابق بند دوم ماده ۹۸ اساسنامه رم، به معاهدات دو جانبه با دیگر دولت ها روی آورده است. این نوع موافقت نامه ها که به «موافقت نامه های ماده ۹۸»^۱ معروف هستند، در جلوگیری از تعقیب و تحقیق اتباع آمریکایی توسط دیوان کیفری بین المللی، به مساعدت آمریکا می آیند، بدون اینکه برای ایالات متحده آمریکا وظیفه ای مبنی بر تعقیب و تحقیق اتباع خود را ایجاد کند. کشور آمریکا تنها از آوریل ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶ با دیگر دولت ها ۹۹ مورد از این موافقت نامه ها منعقد کرده است (Notar, 2006: 426).

همانگونه که بند اول ماده ۹۸ اساسنامه مقرر می دارد: «دیوان نمی تواند درخواست تسلیمی را به جریان اندازد که در آن از کشور تقاضا شونده درخواست شود در ارتباط با آن کشور یا مصونیت سیاسی یک شخص

¹ Article 98 agreements.



یا دارایی یک کشور ثالث، برخلاف تعهداتش نسبت به قوانین بین‌المللی عمل نماید، مگر اینکه دیوان ابتدا بتواند همکاری آن کشور ثالث را برای اعراض از حق مصونیت خود جلب نماید.^۱ این مقرر شامل دولت‌های غیر عضو نیز می‌شود. با این حال، بند دوم ماده ۹۸ شامل همه موافقت‌نامه‌هایی که دولت‌ها برای عدم تحویل اتباع دولت‌های دیگر به دیوان منعقد می‌کنند، نمی‌شود. بند دوم ماده ۹۸ از اصطلاح دولت فرستنده استفاده می‌کند و به وضعیتی اشاره دارد که دولتی شخصی را برای یک مأموریت رسمی یا هدف دیگری به کشور دیگر فرستاده است. این نه تنها از معنای عادی اصطلاح (دولت فرستنده) معلوم می‌شود، بلکه از موافقت‌نامه‌های مربوط به وضعیت نیروهای (سوفا)^۲ گرفته شده است که موقعیت قانونی سربازان و اشخاص وابسته به یک دولتی که در قلمرو دولت دیگر حضور دارد را مشخص می‌کند؛ بنابراین، اصطلاح دولت فرستنده شامل اشخاصی که برای انجام امور خصوصی در قلمرو دولت دیگر حضور دارند را نمی‌شود؛ بنابراین موافقت‌نامه‌هایی که دولت آمریکا در حال حاضر منعقد می‌نماید با بند دوم ماده ۹۸ مغایر نیستند (آکاندی، ۱۳۸۵: ۵۰۸).

اما در رابطه حوزه این ماده، دیوید شفر^۳ کسی که در زمان دولت کِلینتون با عنوان رئیس هیأت ایالات متحده آمریکا در مذاکرات اساسنامه رم خدمت می‌کرد، در مقاله خود، در رابطه با هدف اصلی بند دوم ماده ۹۸، اشاره کرد که این ماده هیچ وقت به متهمان نسل‌کشی، جرایم جنگی و یا جرایم علیه بشریت، مصونیت از مجازات را اجازه نمی‌دهد. او استدلال می‌کند که زمانی که مذاکرات اساسنامه رم صورت می‌گرفت، آمریکا به دنبال این بود که پرسنل خدماتی آمریکا بر اساس موافقت‌نامه نظامی و موافقت‌نامه مأموریت تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند، نه بر اساس دیگر معاهدات مثل، اساسنامه رم. بند دوم ماده ۹۸ به این منظور نبود که اعمال خصوصی فردی را هم پوشش دهد. بر اساس این تفسیر، اعمالی که حافظان صلح، خارج از وظایف اصلی خود در مأموریت انجام می‌دهند، مثل سوء استفاده جنسی و بهره‌کشی، نباید با بند دوم ماده ۹۸ حمایت شود، بلکه باید بر اساس مقررات موافقت‌نامه نظامی و موافقت‌نامه مأموریت تحت تعقیب قرار بگیرد (Scheffer, 2005: 333-335).

¹. *The Statute Of International Criminal Court, Article 98 (1)*.

². *SOFA*.

³. *David Scheffer*.



«در حقوق بین المللی هیچ یک از این تعهدات بر دیگری اولویت ندارد. چنانچه یک عضو دیوان بر خلاف تعهد قراردادی خود تصمیم بگیرد که یک تبعه دولت غیر عضو را به دیوان تحویل نماید، بموجب مقررات حقوق بین المللی در قبال رفتار خود مسئول شناخته می شود. صرف اینکه نقض تعهد دولت عضو نسبت به دولت غیر عضو به لحاظ تعهد دولت عضو به دیوان الزامی بوده است، موجب رفع مسئولیت مزبور نمی شود؛ بنابراین، موافقت نامه هایی که در حال حاضر بین دولت های عضو دیوان و آمریکا منعقد می شود، هرچند مغایر با ماده ۹۸ نیستند اما می توانند منبع فشاری علیه دولت های عضو دیوان باشند تا اتباع آمریکا را به دیوان تحویل ندهد» (آکاندی، ۱۳۸۵: ۵۱۱-۵۱۳).

از آنجایی که ایالات متحده آمریکا قصد دارد موافقت نامه هایی منعقد کند که به موجب آنها هیچ دولتی حق انتقال اتباع آمریکا را بدون رضایت این کشور به دیوان نداشته باشد، بنظر می رسد با توجه به اهمیت خاص بند دو ماده ۹۸ و اقدامات برخی دولت ها مثل ایالات متحده آمریکا در جلوگیری از تعقیب و تحقیق اتباع خود توسط دیوان کیفری بین المللی، تفسیر موسعی از این بند صورت گرفته است. چنین تفسیری هم با هدف و فلسفه اساسنامه دیوان و هم با بند دو ماده ۹۸ مخالف است. بند دو ماده ۹۸ نباید طوری تفسیر شود که به هر دولتی اجازه دهد تا از ایفای تعهدات خود مبنی بر همکاری با دیوان اجتناب نماید، صرفاً به این دلیل که بموجب موافقت نامه های گسترده ای، عضو دیوان حق انتقال اتباع دولت های دیگر به دیوان را ندارد.

گفتنی است دیوان کیفری بین المللی صلاحیت رسیدگی به جرایم بعد از اول ژولای ۲۰۰۲ را دارد؛ بنابراین دیوان نسبت به جرایم قبل از آن صلاحیت رسیدگی ندارد و بسیاری از جنایات در طول جنگ تحت صلاحیت زمانی دیوان قرار نخواهند گرفت.

در ادامه یک توضیح کلی درباره صلاحیت دیوان کیفری بین المللی داده می شود و بعد به مبحث صلاحیت دیوان نسبت به جرایم نیروهای حافظ صلح دولت عضو و غیر عضو پرداخته می شود.

مبحث اول: صلاحیت دیوان کیفری بین المللی

یکی از بغرنج ترین مسائل در زندگی ما، رنجی است که انسان ها با اعمال ظلم، برخوردهای مسلحانه و تجاوز بر هم نوع خود تحمیل می کنند. شاید اجرای عدالت کیفری متمدنانه ترین پاسخ به چنین خشونتی باشد (جانی پور، ۱۳۸۹: ۳۶).



همانطور که قبلاً نیز اشاره گردید، دیوان بین المللی دادگستری، هر چند ارگان قضایی بین المللی سازمان ملل متحد است، اما این دیوان صلاحیت رسیدگی به دعاوی را که هر دو طرف آن دولت نباشد را ندارد، ضمن اینکه تنها با رضایت هر دو طرف، صلاحیت رسیدگی در آن دعوا پیدا می کند، همچنین این دیوان به مسئولیت کیفری نمی تواند پردازد و فقط به مسئولیت حقوقی می پردازد. لذا همین محدودیت ها در دیوان بین المللی دادگستری باعث تأسیس دیوان کیفری بین المللی بر اساس اساسنامه رم گردید.

دبیرکل سازمان ملل تأسیس دیوان کیفری بین المللی را به عنوان «هدیه ای از امید به نسل های آینده و گامی بلند به سوی حقوق بشر جهانی و حاکمیت قانون» توصیف کرد (ایو لاهه، ۱۳۸۱: ۲۷).

برخی از دولت ها مخالف اساسنامه دیوان بودند و در همان روز رأی گیری اساسنامه رم سه دولت مهم در جامعه بین المللی (ایالات متحده آمریکا، چین و هند) به اساسنامه رم رأی منفی دادند. اعتراض آنها عمدتاً به راهکارهایی بود که برای صلاحیت دیوان در نظر گرفته شده بود. بنظر آنها ماده ۱۲ که مربوط به «پیش شرط های اعمال صلاحیت» است، متضمن اصل صلاحیت جهانی است و بنابراین بر دولت هایی که به عضویت اساسنامه در نیابند تعهداتی را بوجود می آورد (ایو لاهه، ۱۳۸۱: ۲۸).

گفتار اول: کلیات صلاحیت دیوان کیفری بین المللی

صلاحیت دیوان کیفری بین المللی محدود به مهمترین جرایم بین المللی مربوط به جامعه بشری است. دیوان کیفری بین المللی، تنها در صورتی می تواند به درستی و با قدرت عمل کنند که دولت های ملی به آنها کمک نموده و آنها را حمایت نمایند. در غیر این صورت، امیدی به موفقیت این دادگاه ها وجود ندارد، زیرا هر یک از نقاط جهان که در آن مظنون یا مدرک جرم قرار گیرد، قسمتی از قلمرو یک دولت است و تا زمانی که میل به همکاری نداشته باشند، نمی توان کاری کرد. چرا که صلاحیت سرزمینی کشورها و احترام به آن از اصول مسلم حقوق کیفری داخلی و بین المللی محسوب می شود. در واقع، افرادی مانند میلوشویچ، کارادزیچ و تیلور دستگیر و به محاکمه کشیده شدند، تنها به این دلیل که مقامات ملی تصمیم به همکاری با دادگاه های بین المللی گرفته بودند (جانی پور، ۱۳۸۹: ۴۵).



بند اول: انواع صلاحیت دیوان کیفری بین المللی

الف: صلاحیت موضوعی

یکی از موضوعاتی که در چارچوب حقوق بین الملل مطرح می شود، این است که به کدام اعمال جرم بین المللی گفته می شود. پاسخ آن در هنجارهای بین المللی نظیر عرف بین المللی، اصول کلی حقوق، رویه و آرای قضایی و نظریه های بین المللی جستجو کرد (ژاک فرانسیون، ۱۳۶۵: ۲۱۱).

مقصود از صلاحیت موضوعی، انواع جرایمی است که تحت صلاحیت ارگان قضایی قرار می گیرد و دادگاه برای رسیدگی و تصمیم گیری قضایی در مورد آن صالح شناخته می شود. به نظر می رسد صلاحیت قضایی دولت ها به لحاظ موضوعی محدودیتی ندارد؛ یعنی اینکه دولت ها می توانند در قلمرو ملی نسبت به هر موضوعی اعمال صلاحیت قضایی کنند. البته در جرم انگاری رفتارها و تعیین مجازات برای آنها حداقل معیارهای حقوق بشری شناخته شده در سطح بین المللی لازم الرعایه است (فضایلی، ۱۶۴: ۱۳۸۷-۱۶۵).

بر اساس این صلاحیت، دیوان کیفری بین المللی تنها صلاحیت رسیدگی به مهمترین جنایاتی را دارد که مایه نگرانی جامعه بین المللی هستند. اساسنامه رم در ماده ۵ جرم نسل کشی، جرایم ضد بشریت، جرایم جنگی و جرم تجاوز را به عنوان مهمترین جرایمی که باعث نگرانی جامعه بین المللی هست معرفی کرده است؛ بنابراین اگر جرایمی که نیروهای حافظ صلح مرتکب شده اند به حد این جرایم برسد، دیوان به لحاظ موضوعی صلاحیت رسیدگی خواهد داشت، در غیر این صورت دیوان صلاحیت رسیدگی ندارد.

ب: صلاحیت زمانی

بر اساس ماده ۱۱ اساسنامه رم، دیوان تنها نسبت به جرایمی صلاحیت دارد که جرایم ذکر شده در ماده ۵ اساسنامه رم، بعد از لازم الاجرا شدن این اساسنامه، یعنی اول ژولای ۲۰۰۲ ارتکاب یافته باشند و دولت غیر عضوی هم که بعداً به عضویت درمی آید، دیوان نسبت به جرایم واقع در سرزمین آن یا توسط اتباعش بعد از عضویت آن دولت صلاحیت رسیدگی دارد؛ بنابراین اگر نیروهای حافظ صلح قبل از این تاریخ مرتکب جرایم تحت صلاحیت دیوان شده باشند، دیوان صلاحیت رسیدگی را نخواهد داشت؛ اما اگر همین جرایم بعد از لازم الاجرا شدن اساسنامه صورت گرفته باشد، دیوان صلاحیت رسیدگی را پیدا می کند.



ج: صلاحیت مکانی و شخصی

بر اساس ماده ۱۲ اساسنامه رم، دیوان دارای محدودیت مکانی و زمانی است. بدین نحو که در صورتی می‌تواند صلاحیت خود را اعمال نماید که جرم در سرزمین دولت عضو صورت گرفته باشد و یا اینکه توسط اتباع دولت عضو هرچند در سرزمین دولتی غیر عضو رخ داده باشد. دولتی هم که به عضویت اساسنامه رم در نیامده باشد، آن دولت می‌تواند با سپردن اعلامیه‌ای نزد دبیر کل، اعمال صلاحیت دیوان را نسبت به جرم مورد نظر بپذیرد.

به همین دلیل دولت ایالات متحده آمریکا سعی دارد که نیروهای حافظ صلح خود را در سرزمین دولت‌هایی اعزام کند که به عضویت دیوان در نیامده باشد تا دیوان نتواند بر اتباع آنها اعمال صلاحیت نماید.

یکی از نکاتی که در پایان این بند باید اشاره گردد، ویژگی تکمیلی بودن صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی است. اساسنامه رم بر اساس اصل صلاحیت تکمیلی، صلاحیت رسیدگی به جرایم کیفری را ابتدا بر عهده خود دولت‌ها نهاده است که در بند ۶ مقدمه اساسنامه رم آمده است که: این وظیفه هر یک از دولت‌ها است که صلاحیت کیفری خود را بر کسانی که مسئول ارتکاب جنایات بین‌المللی هستند، اعمال نماید؛ یعنی اینکه با قصور دولت‌ها در رسیدگی، زمان پدیدار شدن صلاحیت تکمیلی دیوان فرا خواهد رسید.

همچنین در بند ۱ ماده ۱۷ اساسنامه چنین مقرر نموده است که دیوان در موارد زیر موضوعی را غیر قابل رسیدگی اعلام خواهد کرد:

- در صورتی که دولت صلاحیت دار در حال رسیدگی به موضوع است.
 - در صورتی که دولت صلاحیت دار قرار منع پیگرد در رابطه با موضوع صادر کرده است.
 - در صورتی که با توجه به اصل «عدم جواز محاکمه مضاعف» و بموجب ماده ۲۰ دیوان بخواهد کسی را که قبلاً محاکمه شده است، مجدداً مورد محاکمه قرار دهد.
- با وجود این، بدنبال هر سه مورد فوق الذکر، استثنایی نیز ذکر شده است و آن این است که دیوان می‌تواند احراز نماید که دولت صلاحیت دار مایل یا قادر به رسیدگی نبوده و یا نیست. در این صورت دیوان حق خواهد داشت که علیرغم جریان رسیدگی یا صدور قرار منع رسیدگی یا حتی اتمام محاکمه و دادرسی، موضوع را قابل پذیرش دانسته و به آن رسیدگی نماید (شریعت باقری، ۱۳۸۶:۵۸).

بنابر این «زمانی که معیارهای صلاحیت‌های موضوعی، شخصی، مکانی و زمانی در مورد جرایم نیروهای حافظ صلح احراز گردد، نوبت به بررسی صلاحیت تکمیلی دیوان خواهد رسید. دیوان این مرحله



را با معیارهایی چون حقیقی نبودن رسیدگی، عدم تمایل دولت، تأخیر غیر قابل توجه، عدم توانایی و... مورد بررسی قرار می‌دهد. در صورتی که دیوان صلاحیت تکمیلی خود را تشخیص دهد، می‌تواند به جرایم نیروهای حافظ صلح رسیدگی کند» (شریعت باقری، ۱۳۸۶: ۹۰).

صلاحیت تکمیلی دیوان قبل از آنکه دیوان را به رسیدگی به جرایم مهم بین‌المللی الزام نماید، اهرم فشاری است که دولت‌های زیربسط یا ذینفع را به رسیدگی به جرم وادار می‌نماید (ایو لاهه، ۱۳۸۱: ۲۶). به طور خلاصه می‌توان گفت که: «صلاحیت تکمیلی در اساسنامه به این معنی است که تقدم اعمال صلاحیت در مورد نسل‌کشی، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی به دادگاه‌های داخلی داده شده است» (ایو لاهه، ۱۳۸۱: ۳۵).

نکته آخر اینکه، قطعنامه ۱۴۲۲ شورای امنیت در سال ۲۰۰۲ که بر صلاحیت قضایی داخلی دولت‌ها اصرار دارد، دیوان کیفری بین‌المللی را از صلاحیت تکمیلی خود محروم می‌کند.

بند دوم: صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی و نیروهای حافظ صلح

هر چند دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تخلفات نیروهای حافظ صلح آخرین چاره است، زیرا امکان تعقیب در دیوان زمانی است که دولت ذی‌ربط ناتوان یا بی‌میل برای انجام تعقیب باشد؛ اما چند دغدغه برای رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان یک محکمه‌ای که در آن نیروهای حافظ صلح را تعقیب کند، وجود دارد (3: 2012 nnnnnn). از جمله اینکه تلاش در جهت دستگیری حافظان صلح مسئول به دلیل ارتکاب جرایم تحت صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی به چند دلیل بعید است که به ثمر برسد. اولین دلیل این است که دیوان بر اساس ماده ۵ اساسنامه رم جرایم تحت صلاحیت خود را محدود به جنایات نسل‌کشی، جنایات ضد بشریت، جنایات جنگی و جنایات تجاوز کرده است. سوء استفاده‌هایی هم که توسط صلح‌بانان انجام می‌گیرد به نظر نمی‌رسد که در همان سطح جنایات نسل‌کشی و جنایات علیه بشریتی باشد که اساسنامه رم تعریف کرده است؛ اما این جرایم مسلماً امکان این که مشمول تعریف جرایم جنگی بر اساس اساسنامه رم قرار بگیرد را دارد؛ اما دادستان دیوان اشاره کرده که فقط شنیع‌ترین جنایات را تعقیب خواهد کرد. پس زمانی که حافظان صلح اعمال شنیع انجام دهند، به احتمال زیاد به آن سطح از جرایمی نخواهد رسید که دادستان نسبت به آن تمرکز کند (Notar, 2006: 425).



اما اگر زمانی این نیروها برخلاف ماهیت وجودی خود عمل نمایند و مرتکب چنین جرایمی شوند، یعنی وضعیتی ایجاد شود که قربانیان به حمایت در مقابل حامیان خود نیاز پیدا کرده باشند چه می‌شود؟

دکترین صلح‌بان هنوز یک پاسخ رضایت بخشی به این سؤال نداده است. هیچ گونه سیستم عدالت کیفری خاص برای اعضای نیروی حافظ صلح وجود ندارد. دیوان کیفری بین المللی احتمالاً بتواند بخشی از این خلأ را با ارائه یک قانون کیفری بین المللی یک نواخت پر کند (Zwanenburg, 2004: 124-126). مثلاً، اینکه بعید بنظر می‌سد نیروهای حافظ صلح در یک نسل کشی فعالیت داشته باشد، چرا که اولاً، پرسنل حافظ صلح را بندرت می‌توان در منطقه قتل دسته جمعی پیدا کرد، هرچند این امکان وجود دارد که این اتفاق بیفتد. همانطور که مأموران سازمان ملل در رواندا و در عملیات ترکیبی اتحادیه آفریقا - سازمان ملل در دارفور مرتکب شدند. ثانیاً، نسل کشی نیاز به عنصر معنوی و قصد خاصی برای نابودی تمام یا بخشی از گروه می‌خواهد و بعید است که حافظ صلح این قصد را داشته باشد و هیچ سابقه‌ای هم مبنی بر اینکه بدلیل تبعیض بخش یا تمام یک گروه نابود شود، وجود ندارد.

اگر مأمور حفظ صلح مرتکب جنایات شود، آیا می‌توان آنها را تحت جرایم جنگی یا جرایم علیه بشریت، در دیوان کیفری بین المللی محاکمه کرد؟

هرچند عناصر فردی جرایم مهم هستند، اما «عناصر شاپو منحصر به فرد»^۱ طبق اساسنامه رم برای احراز جرایم تحت صلاحیت این دیوان ضروری می‌باشند. عناصر شاپو همان چیزی هستند که جرایم را بین المللی کرده و تحت صلاحیت دیوان قرار می‌دهد؛ یعنی عناصر جرایمی که در یک مقیاس بزرگتر و سیستماتیک صورت گرفته یا بخشی از یک برنامه یا سیاست هستند. به هر حال یادآوری این نکته مهم است که این عناصر در مورد جنایات جنگی ضروری نیست؛ زیرا وقوع یک جنایات جنگی هنوز هم یک جنایات جنگی در نظر گرفته شده است. هنوز هم جرایم جنگی جرایم بین المللی در نظر گرفته شده است، زیرا همراه با نسل کشی، جنایات علیه بشریت و تجاوز است و وجدان بشریت را جریحه دار می‌کند. جنایات ارتكابی علیه جامعه جهانی، تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی را تشکیل می‌دهد (OBBnnn 2012: 5).

بر این اساس اگر جرایم تحت صلاحیت دیوان مقیاس وسیع صورت نگیرد، دیوان کیفری بین المللی صلاحیت رسیدگی نخواهد داشت، اما بر اساس بند ۱ ماده ۸ اساسنامه رم، به نظر می‌رسد که به طور کامل

¹ The unique chapeau elements.



نیاز نیست که جنایات جنگی در مقیاس وسیع صورت بگیرد تا دیوان بتواند اعمال صلاحیت کند، زیرا بند ۱ ماده ۸ بیان می‌دارد که «دیوان نسبت به جنایات جنگی صلاحیت دارد، بویژه زمانی که در قالب یک برنامه یا سیاست عمومی یا در قالب گسترده چنین جرایمی صورت گرفته باشد»؛ اما در مورد سوء استفاده و بهره‌کشی جنسی توسط حافظان صلح بعید بنظر می‌رسد که در قالب یک برنامه یا سیاست صورت بگیرد تا دیوان بتواند صلاحیت خود را اعمال کند. هرچند در برخی موارد می‌توان مدعی بود که برنامه‌ای برای ارتکاب این جنایات وجود داشته است. مثلاً زمانی که مأموران حافظ صلح در قاچاق و برده‌داری جنسی زنان و یا در قاچاق طلا یا تجارت سلاح نقش داشته باشند.

بنابراین محدودیتی که در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی وجود دارد، یک مسئله جدی است که ما را از رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی به جرایم نیروهای حافظ صلح سازمان ملل همانند صلاحیت دادگاه ملی دولت میزبان تقریباً ناامید می‌کند و حتی می‌توان گفت که از آن نوع محکمه‌ای نیست که بتواند تهدیدی جدی برای نیروهای حافظ صلح متخلف ایجاد کند. باید به دنبال تاسیس یک دادگاه کیفری دیگری باشیم که هیچ‌کدام از این محدودیت‌های دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه ملی میزبان را نداشته باشد.

حال اگر نیروهای حافظ صلح در حال مأموریت در حالتی استثنایی مرتکب جرایم در یک مقیاس بزرگتر و سیستماتیک و یا بخشی از یک برنامه یا سیاست هست مرتکب شوند و صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی احراز شود و دیوان بخواهد اعمال صلاحیت کند، آیا بین نیروهای حافظ صلح دولت عضو و غیر عضو تفاوتی وجود دارد یا نه مبحثی است که در دو گفتار بعدی از این مبحث به آن خواهیم پرداخت.

گفتار دوم: دیوان کیفری بین‌المللی و نیروهای حافظ صلح دول عضو اساسنامه رم

بند اول: نحوه همکاری دول عضو اساسنامه رم و دیوان کیفری بین‌المللی

تعهد به همکاری، تکلیفی است بر مبنای حقوق بین‌الملل برای اعضای جامعه بین‌المللی به منظور شناسایی و محاکمه مرتکبان جنایات بین‌المللی و مشارکت در مبارزه علیه بی‌کیفری و پیشگیری از ارتکاب



جنایات جدید که باید در قبال درخواست‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی انجام گیرد (اردبیلی، ۱۳۸۶:۱۷).

اساسنامه رم در فصل نهم با عنوان «همکاری بین‌المللی و معاضدت قضایی» تعهد عامی را مبنی بر همکاری با دیوان بر عهده دولت‌های عضو نهاده است و از دولت‌های عضو خواسته است کمال همکاری را با دیوان به عمل آورند (اردبیلی، ۱۳۸۶:۱۹).

همچنین، در ماده ۱۸۶ اساسنامه رم آمده است: «بر طبق مقررات این اساسنامه، دولت‌های عضو در انجام تحقیق و تعقیب جرایمی که در صلاحیت دیوان است با دیوان کاملاً همکاری خواهند کرد»^۱ و با عنایت به بند الف و ج ماده ۸۷ اساسنامه: یکی از تعهدات دول عضو در قبال دیوان، تعهد به کمال همکاری در صورت درخواست همکاری از سوی دیوان می‌باشد، حال این کمال همکاری دولت عضو می‌تواند انتقال شهود و همکاری در فراهم کردن اطلاعات باشد.

از مهمترین تعهدات دولت‌های عضو، استرداد اشخاصی است که تحت تعقیب بوده و ممکن است در قلمرو دولت عضو به سر ببرند. بجز همکاری با دیوان در مسأله استرداد، دولت‌های عضو موظفند به درخواست‌های دیوان بر انجام تحقیق یا تعقیب در قلمرو خود (به شرح مذکور در ماده ۹۳) ترتیب اثر بدهند؛ بنابراین در صورتی که دولت عضو بر خلاف مقررات اساسنامه به درخواست همکاری دیوان مبنی بر تحویل صلحبانان متخلف ترتیب اثر ندهد و دیوان را از اجرای وظایف و اختیارات خود باز دارد، «دیوان می‌تواند مسأله را در مجمع دولت‌های عضو یا در مواردی که شورای امنیت به دیوان مراجعه کرده باشد نزد شورای مزبور مطرح نماید» (بند ۷ ماده ۸۷) اینکه مجمع دولت‌های عضو و یا شورای امنیت در این مورد چه تصمیمی خواهد گرفت، اساسنامه ساکت است. تنها در بند «و» ماده ۱۲ که مربوط به «مجمع دولت‌های عضو» است، از «بررسی هر مسأله مربوط به عدم همکاری» دولت‌ها سخن به میان آمده است. می‌توان تصور کرد که مجمع دولت‌های عضو، دولت‌های عضو را مثلاً به تجدید نظر در روابط سیاسی - اقتصادی با دولت مورد بحث الزام یا متعهد نماید» (شریعت باقری، ۱۳۸۶: ۳۶).

¹. *The Statute Of International Criminal Court, Article 186.*



بند دوم: صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به نیروهای حافظ صلح دول عضو

طبق ماده ۳۴ کنوانسیون وین حقوق معاهدات (۱۹۶۹) «هیچ معاهده‌ای بدون رضایت ثالث، برای آن حقوق و تعهداتی ایجاد نمی‌کند»^۱ و از آنجایی که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یک معاهده بین‌المللی است و تابع کنوانسیون معاهدات وین ۱۹۶۹، بنابراین و بنابر اصل «اثر نسبی معاهدات»، اثر این معاهده نسبت به دولت‌های عضو اساسنامه رم لازم‌الاجرا و لازم‌الوفای می‌باشد.

دیوان کیفری بین‌المللی هم یک نهاد معاهداتی است. با عنایت به جایگاه رفیع حاکمیت ملی، دولت‌ها در صورتی می‌توانند حقوقی را پی‌ریزی کنند که مشترکاً بر سر آن توافق حاصل کرده باشند. به همین دلیل، کل حقوق بین‌الملل نیز پایه و اساس توافقی و قراردادی دارد. لذا اصولاً دیوان تنها می‌تواند نسبت به دولت‌های عضو اساسنامه اعمال صلاحیت نماید. بر این اساس در مورد صلاحیت دیوان نسبت به نیروهای حافظ صلح دول عضو که فرضاً مرتکب جرایم تحت صلاحیت‌های موضوعی و زمانی دیوان شده‌اند و دولت متبوع متهم هم ناتوان و بی‌میل از رسیدگی است، شکی وجود ندارد؛ اما آیا دیوان همین صلاحیت را نسبت به سربازان حافظ صلحی که عضو اساسنامه رم نیستند نیز دارد یا نه بحثی است که در ادامه این فصل به آن خواهیم پرداخت.

گفتار سوم: دیوان کیفری بین‌المللی و نیروهای حافظ صلح دولت‌های غیرعضو اساسنامه رم

اساساً دولت‌های غیرعضو اساسنامه رم هیچ تعدی بر اجرای معاهده منعقد شده بین سایر دولت‌ها ندارند، زیرا اساسنامه رم به عنوان معاهده‌ای چندجانبه نسبت به دولت‌های عضو قابلیت اعمال و اجرا دارد؛ به عبارت دیگر هرگاه دولتی به عضویت اساسنامه دیوان در نیاید، علی‌الاصول حقوق و تکالیفی در دیوان نخواهد داشت.

بموجب اساسنامه رم، دیوان در سه مورد می‌تواند صلاحیت خود را نسبت به اتباع دولت‌های غیرعضو اعمال نماید. اول، در موردی که پرونده‌ای از سوی شورای امنیت سازمان ملل به دادستان ارجاع شود، دوم، اتباع دولت‌های غیرعضو در صورتی از سوی دیوان تحت تعقیب قرار می‌گیرند که آنها جرمی را در قلمرو دولتی که عضو اساسنامه است مرتکب شده باشند. (طبق ماده ۱۲) و سوم، در صورتی که دولت غیرعضو، صلاحیت دیوان را در رابطه با جرم خاصی پذیرفته باشد که در دو حالت اول، رضایت دولت متبوع متهم پیش شرط لازم برای اعمال صلاحیت دیوان نیست (آکاندی، ۱۳۸۵: ۴۴۶).

^۱ Vienna convention on the law of treaties, art 34.



همچنین «دولت های غیر عضو هرگاه مایل باشند که دیوان نتواند نسبت به تخلفات نیرو های حافظ صلح در قلمرو آنها یا توسط اتباع آنها رسیدگی کند، باید (همانند دولت های عضو) دست به قانونگذاری بزنند و علاوه بر جرم انگاری جرایم موضوع اساسنامه، دادگاه صالح، آیین دادرسی و اجرای احکام آن را مدون و مشخص کنند. در غیر اینصورت، هرگاه پرونده ای از طریق شورای امنیت سازمان ملل به دلیل ارتکاب جرایم موضوع اساسنامه به دیوان ارجاع شود و دولت مورد نظر به آن جرم رسیدگی ننموده یا در حال رسیدگی نباشد، بموجب مقررات ماده ۱۸ اساسنامه، دیوان صلاحیت رسیدگی به آن جرم را خواهد داشت» (شریعت باقری، ۱۳۸۶: ۱۷۹).

بند اول: صلاحیت دیوان کیفری بین المللی نسبت به نیروهای حافظ صلح دول غیرعضو

اساسنامه رم بین موردی که که ارجاع کننده وضعیت، دولت عضو یا دادستان است با موردی که ارجاع کننده شورای امنیت است، تفاوت قایل شده است. در فرض اول، یعنی ارجاع از طرف دولت عضو یا دادستان، برای اعمال صلاحیت دیوان لازم و کافی است که یکی از دو دولت که در قلمرو وی جرم واقع شده است و یا متهم تبعه آن است، عضو اساسنامه باشد و یا صلاحیت دیوان را پذیرفته باشد.

نتیجه آنکه هرگاه سربازان حافظ صلح آمریکایی در قلمرو دولتی که عضو اساسنامه است مرتکب یکی از جرایم تحت صلاحیت دیوان شود و آمریکا هم به عضویت در نیامده باشد، دیوان صلاحیت رسیدگی به جرایم آنان، با وجود عدم رضایت آمریکا به صلاحیت دیوان را خواهد داشت. همانطور که هر گاه سربازان کشوری که عضو اساسنامه است، در کشوری مثلاً ایران که به اساسنامه نپیوسته است، مرتکب جرایم مذکور شود، دیوان صلاحیت خواهد داشت به موضوع رسیدگی کند. در فرض دوم، یعنی در صورتی که وضعیت از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع شده است، رضایت هیچ دولتی شرط اعمال صلاحیت دیوان نیست. (ماده ۱۲) شورای امنیت بموجب اختیارت ناشی از فصل هفتم منشور می تواند به اقداماتی جهت حفظ صلح و امنیت بین المللی دست بزند» (شریعت باقری، ۱۳۸۶: ۲۸-۳۰).

«اعتراضات ایالات متحده آمریکا در مورد پدیداری دادگاه کیفری بین المللی یا بنحو مشخص تر در مورد صلاحیت آن به گونه ای است که اکثریت حقوق دانان بین المللی آن را غیر قابل قبول دانسته اند. اینکه آیا اعتراضات در مورد پذیرش قرار گرفته اند یا نه بیش از آنکه موضوعی حقوقی باشد، در حقیقت در چارچوب سیاسی می گنجد» (کریر و وایت، ۱۳۸۴: ۷۵).



لازم به ذکر است که ایالات متحده آمریکا از امضای اساسنامه رم خودداری کرد. این کشور یکی از دلایلی باعث شد از امضاء خودداری کند نگرانی از پیامد‌های ناگوار دیوان نسبت به نیروهای حافظ صلح خود عنوان کرده است (Zwanenburg, 2004: 126).

«امکان الزام به همکاری دولت‌های غیر عضو از سوی شورای امنیت و صلاحیت مکانی دیوان باعث شد که آمریکا برای ممانعت از تعقیب نیروهای خود قطعنامه ۱۴۲۲ را به تصویب برساند. البته تهدید آمریکا به جلوگیری از عملیات حفظ صلح سازمان ملل از طریق وتو و عدم اعزام نیروهایش به عملیات باعث تصویب شد» (صدیقیان کاشانی، ۱۳۹۱: ۹۵-۹۶).

یکی از مهمترین قطعنامه‌هایی که در خصوص رابطه دیوان کیفری بین‌المللی با نیروهای حافظ صلح دول غیر عضو که در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید، قطعنامه ۱۴۲۲ می‌باشد. شاید مهمترین دستاورد این قطعنامه تعلیق ۱۲ ماهه محاکمه احتمالی نیروهای حافظ صلح متعلق به دولت‌های غیر عضو اساسنامه است. ایالات متحده آمریکا عضو بسیاری از معاهدات ضد تروریستی است و مانند بسیاری از دولت‌ها، بموجب این معاهدات اتباع دولت‌های غیر عضو را در دادگاه‌های داخلی خود محاکمه کرده است، بدون اینکه رضایت دولت متبوع متهم را کسب کرده باشد. با این حال هیچ اعتراضی هم از سوی دولت‌های متبوع متهم در رابطه اعمال صلاحیت از سوی دولت بازداشت‌کننده بعمل نیامده است. این امر دلیل مهمی است بر اینکه هیچ دولتی این رویکرد را ندارد که دولت‌ها نمی‌توانند صلاحیت خود را به دولت‌های دیگر بدون رضایت دولت متبوع واگذار کنند. نمونه دیگر اینکه در تصمیم شورای اتحادیه اروپا آمده است که به هر دولت عضو اتحادیه اروپا اجازه می‌دهد تا نسبت به اعمال تروریستی که در قلمرو دیگر اعضا واقع می‌شوند رسیدگی نماید (آکاندی، ۱۳۸۵: ۴۷۵).

بند دوم: نحوه همکاری دول غیر عضو با دیوان کیفری بین‌المللی

فصل نهم اساسنامه دیوان، بین دولت‌های عضو و غیر عضو تمایز قایل شده است. مخاطب تعهدات مندرج در اساسنامه فقط دولت‌های عضو هستند. اساسنامه برای دولت‌های غیر عضو هیچ تکلیفی ایجاد نمی‌کند. دولت‌های متبوع نیروهای حافظ صلح غیر عضو، علی‌الاصول تعهدی به همکاری با دیوان ندارند. با وجود این، دو راه برای الزام به همکاری دولت متبوع نیروهای حافظ صلح غیر عضو در اساسنامه رم پیش بینی شده است:



الف: توافق نامه بین دولت غیر عضو و دیوان کیفری بین المللی

در بند سوم ماده ۱۲ اساسنامه رم آمده است که «چنانچه پذیرش دولتی که عضو اساسنامه رم نیست، مورد نیاز باشد، آن دولت می تواند با سپردن اعلامیه ای نزد رئیس دبیر خانه، صلاحیت دیوان را نسبت به دعوای مورد نظر بپذیرد. دولت پذیرنده بموجب فصل نهم باید بدون هیچ گونه تأخیر یا استثنایی با دیوان همکاری کند»^۱ در این صورت مقررات اساسنامه برای دولت ثالث تعهداتی ایجاد می کند که مهمترین آن تعهد به همکاری با دیوان است. همچنین، دیوان می تواند بر اساس قرارداد خاص یا هر نوع مبنای مناسب دیگری، هر دولت غیر عضو را برای همکاری در اجرای مقررات فصل نهم دعوت کند. (اردبیلی، ۱۳۸۶:۲۱) پذیرش توافق نامه از سوی دولت متبوع صلح‌بان غیرعضو، باعث می شود که همکاری برای دولت مذکور به مثابه کشورهای عضو اساسنامه الزامی شود و در صورت امتناع آن دولت از همکاری دیوان موضوع را به مجمع دولت های عضو یا در صورتی که موضوع از سوی شورای امنیت مطرح شده باشد، به شورای امنیت می رساند» (صدیقیان کاشانی، ۱۳۹۱: ۹۴-۹۶).

ب: الزام به همکاری با دستور شورای امنیت

فقط بموجب تصمیم شورای امنیت است که همه دولت ها اعم از عضو و غیر عضو تعهدی برابر به همکاری با دیوان دارند. الزام همکاری دولت نیروهای حافظ صلح غیرعضو اساسنامه بر اساس دستور شورای امنیت، زمانی است که شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور و بمنظور حفظ صلح و امنیت بین المللی می تواند وضعیت دولت نیروهای حافظ صلح غیرعضو را برای رسیدگی به دیوان ارجاع دهد؛ بنابراین قادر به صدور دستور مبنی بر همکاری دولت های غیر عضو اساسنامه با دیوان کیفری بین المللی نیز است. بر این اساس، دولت نیروهای حافظ صلح غیرعضو، بر اساس منشور ملل متحد موظفند به دستور شورای امنیت جامه عمل بپوشانند و با صدور چنین دستوری از سوی شورای امنیت موظف به کمال همکاری با دیوان خواهند بود» (صدیقیان کاشانی، ۱۳۹۱ : ۹۵-۹۴).

«تا کنون شورای امنیت مشخصاً در یک مورد از این اختیار خود استفاده کرده است. قطعنامه ۱۵۹۳ در مورد وضعیت سودان (۲۰۰۵)، ضمن احراز تهدید علیه صلح، با استناد به فصل هفتم منشور، این وضعیت را به دادستان دیوان ارجاع داده است. سودان تا امروز هم جزء اعضای اساسنامه رم نیست. لازم به ذکر است که

¹ Rome Statute of the International Criminal Court, art 12(3).



اولاً، در ارجاع وضعیت ها از سوی شورا به دادستان، اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان نیز در این موارد جاری نیست» (طرازکوهی، ۱۳۹۲: ۲۹).

بنابراین رابطه کاری شورای امنیت و دیوان اجتناب ناپذیر است، زیرا از یک سو مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی طبق بند ۱ ماده ۲۴ منشور به شورا اعطا شده است و بدین منظور طبق فصل هفتم یک سلسله اختیارات، اعم از قهرآمیز و غیر قهرآمیز به شورا داده شده است. از سوی دیگر جنایات تحت صلاحیت دیوان، معمولاً در شرایطی انجام می گیرد که صلح و امنیت بین المللی در معرض تهدید قرار گرفته یا نقض شده باشد. از مهمترین نقاط تلاقی این نهادها می توان به ماده ۱۶ اساسنامه رم اشاره کرد (جانی پور، ۱۳۸۹: ۵۳). دیوان در این ماده به شورای امنیت حق «وتوی موقت» را در اعمال صلاحیت اعطا نموده است. شناسایی حق مزبور معنایی جز فلج کردن رسیدگی دیوان و نقض استقلال آن ندارد» (شریعت باقری، ۱۳۸۶: ۳۲). هر چند دیوان نیز به شورای امنیت جهت رسیدن به عدالت نیازمند می باشد.

گفتار چهارم: ارتباط میان شورای امنیت و دیوان کیفری بین المللی در زمینه نیرو های حافظ صلح

اساسنامه رم توجه ویژه ای به قدرت شورای امنیت در حقوق بین المللی داشته است. این اساسنامه به صورتی به این شورا قدرت را داده است که حتی می تواند، بدون آنکه دولتی عضو اساسنامه رم باشد، وضعیت آن دولت را به دیوان ارجاع دهد و یا همانطوری که در ماده ۱۶ اساسنامه رم آمده است، شورای امنیت بتواند قطعنامه ای را در اجرای فصل هفتم منشور ملل متحد صادر کرده و از دیوان بخواهد که تحقیق یا تعقیبی را به صورت موقت تعلیق کند. به عبارتی شورای امنیت دارای حق وتوی موقت در صلاحیت دیوان می باشد.

«بند ۲ ماده ۴۸ منشور این اصل را ایجاد می کند که تصمیمات شورای امنیت باید به وسیله اعضای ملل متحد، مستقیماً و به وسیله اقدامات آنها در سازمان های مربوط که عضو آن هستند، به طور غیر مستقیم اجرا گردد. این قاعده به طور برابر در مورد دیوان کیفری بین المللی نیز بدین صورت اجرا می گردد، چرا که این سازمان قضایی نیز طبق ماده ۴ اساسنامه خود از شخصیت حقوقی بین المللی لازم برخوردار است. حتی از ماده ۱۰۳ منشور نیز نمی توان در جهت اثبات این ادعا که دیوان مستقیماً به وسیله مقررات الزامی شورای امنیت ملزم می شود کمک خواست، زیرا این ماده صرفاً دولت ها را متعهد می کند نه دیوان را» (کارستن استان، ۱۳۸۴: ۲۵۳).



همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای گروگانگیری، نیکاراگوئه و اجرای کنوانسیون منع نسل‌کشی اعلام داشت که در این گونه موارد هر ارگان به صورت مستقل از دیگری عمل کند. به نظر می‌رسد که چنین امری به طریق اولی می‌بایست در مورد دیوان کیفری بین‌المللی که به جرائم فردی و نه به اختلافات میان دولت‌ها رسیدگی می‌کند، اعمال گردد. به زعم برخی حقوقدانان، تبعیت رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی از اقتدارات عالی‌ه شورای امنیت، به مثابه آن است که رسیدگی قضایی تابع سیاست قرارگیرد و این امر ترفندی موثر برای حمایت از مرتکبان جرایم بین‌المللی است که علی‌الاصول باید در اختیار دیوان قرار گیرند (زمانی، ۱۳۸۱: ۷۵).

بنظر می‌رسد که دادن چنین قدرتی به شورای امنیت باعث شده است شورای امنیت از قدرت خود سوء استفاده نماید و دیوان کیفری بین‌المللی را در گیر بازی‌های سیاسی خود نماید، زیرا دولت‌هایی مثل ایالات متحده آمریکا با صدور قطعنامه‌هایی از تحقیق یا تعقیب سربازان حافظ صلح اتباع خود در دیوان جلو کرده‌اند. قطعنامه‌های ۱۴۲۲ (۲۰۰۲)، ۱۴۸۷ (۲۰۰۳) و ۱۴۹۷ (۲۰۰۳) شورای امنیت، صلاحیت دیوان را محدود کرده است. شورای امنیت از حقوق و اختیاراتش بر طبق منشور، گاه خلاف اهداف منشور و حتی خلاف آن چیزی است که برای شورا مقرر شده، اما شورای امنیت در حال حاضر، بسیار بزرگتر و مقتدرتر از منشور شده است. بر این اساس تنها فشار افکار عمومی جامعه می‌تواند تا حدودی از این سوء استفاده جلو گیری کند. چرا که صدور قطعنامه تعلیق تحقیق و تعقیب از سوی شورا در انظار جامعه جهانی همیشه موجود خواهد بود.

گفتار پنجم: شورای امنیت و حافظان صلح ملل متحد

عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد، معمولاً بر اساس یک قطعنامه شورای امنیت ایجاد می‌شود و سپس در اختیار شورای امنیت قرار داده می‌شود. دبیر کل در برابر شورای امنیت مسئولیت سازماندهی، هدایت و رهبری عملیات حفظ صلح را بر عهده دارد و تنها به شورای امنیت گزارش می‌دهد. دبیرکل، شورای امنیت را از کلیه تحولات و مسائلی که بر نحوه انجام مأموریت و استمرار موثر کار دخالت می‌کنند و مشکل می‌آفرینند، آگاه می‌سازد و برای اتخاذ تصمیم درباره حل مشکلات به شورای امنیت احاله می‌دهد (اداره اطلاعات همگانی سازمان ملل، ۱۳۷۳: ۲۹). همچنین شورای امنیت، چگونگی اجرای عملیات حفظ صلح ملل متحد را تعیین می‌کند که در آن، تصمیم‌ها در معرض وتوی هر یک از پنج عضو دائمی شورا یعنی چین، فرانسه، فدراسیون روسیه، انگلیس و ایالات متحده، قرار دارد. شورا، بر مبنای توصیه‌ها، از جمله اطلاعات مالی ارائه شده به وسیله دبیرکل، مأموریت، اندازه، دامنه و مدت عملیات را تعیین می‌کند. مجمع



عمومی درباره بودجه عملیات رأی می دهد. شورای امنیت، وظایف حافظان صلح را مطابق مقتضیات هر موقعیت تعیین می کند.^۱

از آنجایی که مسئولیت اجرای عملیات حفظ صلح با شورای امنیت سازمان ملل می باشد، به همین خاطر، زمانی که مخاصماتی اعم از بین المللی و غیر بین المللی رخ می دهد، جامعه بین المللی از شورای امنیت انتظار اجرای عملیات حفظ صلح را دارند. چرا که منشور ملل متحد در ماده ۲۴، به شورای امنیت سازمان ملل متحد اختیار و مسئولیت انجام اقدامات دسته جمعی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی را می دهد و دولت ها موافقت کردند که شورای امنیت در اجرای وظایف از طرف آنها اقدامات را انجام می دهد.

بر این اساس عملیات حفظ صلح ارگان فرعی ارگان اصلی ملل متحد اعم از شورای امنیت و مجمع عمومی به شمار می رود. دیوان بین المللی دادگستری در قضیه برخی هزینه های سازمان ملل تأکید کرد که عملیات حفظ صلح در کنگو ارگان فرعی شورای امنیت است. دیوان بر این عقیده بود که منشور، مانعی را برای شورای امنیت جهت اقدام بر مبنای اسناد انتخابی آن ایجاد نمی کند. طبق ماده ۲۹ منشور، شورا می تواند در مواقع ضروری چنین ارگان هایی را جهت انجام اشتغالات خود تاسیس کند (سیدفاطمی، ۱۳۹۱: ۱۳۰-۱۳۱). در راستای اعطای مسئولیت اصلی حفظ و امنیت بین المللی به شورای امنیت به عنوان رکن اجرایی، اختیاراتی اعم از توسل به اقدامات نظامی و غیر نظامی به شورا اعطا شد (زینب رشیدی نژاد، ۱۳۸۶: ۶۴).

نتیجه گیری

ماده ۹۸ اساسنامه رم به دولت های عضو اساسنامه رم که شخص مورد درخواست دیوان در سرزمین آنان حضور دارد، اجازه می دهد که تعهدات خود بموجب موافقت نامه بین المللی که مانع از انتقال چنین اشخاصی به دیوان می شود را اجرا نماید. برخی دولت ها مثل ایالات متحده آمریکا در جلوگیری از تعقیب و تحقیق اتباع خود توسط دیوان کیفری بین المللی، تفسیر موسعی از این بند صورت گرفته است. چنین تفسیری هم با هدف و فلسفه اساسنامه دیوان و هم با بند دو ماده ۹۸ مخالف است. همچنین صلاحیت دیوان کیفری بین المللی محدود به مهمترین جرایم بین المللی مربوط به جامعه بشری است. دیوان بر اساس ماده ۵ اساسنامه رم جرایم تحت صلاحیت خود را محدود به جنایات نسل کشی، جنایات ضد بشریت، جنایات

^۱. <http://www.unic-ir.org/publication/farsi/tasavor/tasavor.htm>.



جنگی و جنایات تجاوز کرده است. بر این اساس اگر جرایم تحت صلاحیت دیوان مقیاس وسیع صورت نگیرد، دیوان کیفری بین المللی صلاحیت رسیدگی نخواهد داشت. حال اگر صلاحیت دیوان کیفری بین المللی احراز شود و دیوان بخواهد اعمال صلاحیت کند، بین نیرو های حافظ صلح دولت عضو و غیر عضو تفاوتی وجود دارد. اصولاً دیوان تنها می تواند نسبت به دولت های عضو اساسنامه اعمال صلاحیت نماید ولی در صورتی که وضعیت از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع شده است، رضایت هیچ دولتی شرط اعمال صلاحیت دیوان نیست. (ماده ۱۲). شورای امنیت بموجب اختیارات ناشی از فصل هفتم منشور می تواند به اقداماتی جهت حفظ صلح و امنیت بین المللی دست بزند. بنظر می رسد که دادن چنینی قدرتی به شورای امنیت باعث شده است شورای امنیت از قدرت خود سوء استفاده نماید و دیوان کیفری بین المللی را در گیر بازی های سیاسی خود نماید، زیرا دولت هایی مثل ایالات متحده آمریکا با صدور قطعنامه هایی از تحقیق یا تعقیب سربازان حافظ صلح اتباع خود در دیوان جلو کرده اند. مثل قطعنامه ۱۴۲۲ شورای امنیت در سال ۲۰۰۲ که بر صلاحیت قضایی داخلی دولت ها اصرار دارد، دیوان کیفری بین المللی را از صلاحیت تکمیلی خود محروم می کند.

بنابراین محدودیتی که در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی وجود دارد، یک مسئله جدی است که ما را از رسیدگی دیوان کیفری بین المللی به جرایم نیرو های حافظ صلح سازمان ملل صلاحیت دادگاه ملی دولت میزبان تقریباً ناامید می کند و باید به دنبال تاسیس یک دادگاه کیفری دیگری باشیم که هیچ کدام از این محدودیت های دیوان کیفری بین المللی و دادگاه ملی دولت میزبان را نداشته باشد

منابع:

منابع فارسی

الف: کتب

۱. اداره اطلاعات همگانی سازمان ملل، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل، (ترجمه علی میر سعید قاضی) قومس، ۱۳۷۳.
۲. شریعت باقری، محمدجواد، اسناد دیوان کیفری بین المللی، جنگل، ۱۳۸۶.
۳. _____، حقوق کیفری بین المللی، جنگل، چاپ یازدهم، ۱۳۸۸.
۴. فضایی، مصطفی، دادرسی عادلانه، محاکمات کیفری بین المللی، شهر دانش، ۱۳۸۷.



۵. کمیسیون حقوق بین الملل، طرح مسئولیت بین المللی دولت (متن و شرح مواد کمیسیون

حقوق بین الملل، ترجمه: علیرضا ابراهیم گل)، شهر دانش، ۱۳۸۸.

۶. میرزایی گنجه، سعید، سازمان ملل متحد و دیوان کیفری بین المللی در: دیوان کیفری

بین المللی و جمهوری اسلامی ایران (گرد آورنده: اسحاق آل حبیب)، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.

ب: مقالات

۱. آکاندی، داپو، «صلاحیت دیوان کیفری بین المللی نسبت به دول غیر عضو» (ترجمه حسین

آقایی جنت مکان) تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳، بهار و تابستان ۱۳۸۵

۲. ایولاهه، «صلاحیت دیوان کیفری بین المللی: اختلاف نظر ها در مورد پیش شرط های

اعمال صلاحیت دیوان» (ترجمه محمد جواد شریعت باقری) فصلنامه دیدگاه های حقوقی،

دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره بیست و ششم، ۱۳۸۱.

۳. جانی پور، مجتبی و خانعلی پور و اجارگاه، سکینه، «ارجاع جنایات های بین المللی به

دیوان کیفری بین المللی توسط شورای امنیت و آثار آن» مجله مطالعات حقوقی، شماره دوم، پاییز

و زمستان ۱۳۸۹.

۴. جانی پور، مجتبی، «چالش صلح و عدالت از منظر اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و

قطعنامه های شورای امنیت» پژوهش نامه حقوق کیفری، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۹۱.

۵. دله، ایو، «دیوان کیفری بین المللی» (ترجمه دکتر ابراهیم بیگزاده)، تحقیقات حقوقی،

شماره ۲۶، سال ۱۳۷۸.

۶. رنجریان، امیر حسین، «جستاری در باب اعمال صلاحیت کیفری بر جرایم نیروهای پاسدار

صلح» فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۰، ۱۳۹۲.

۷. شریفی طرازکوهی، حسین، «ضرورت و امکان نظارت بر عملکرد شورای امنیت در نظام

حقوقی ملل متحد» فصلنامه سازمان های بین المللی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲.

۸. فیوضی، رضا، «دادگاه نظامی نورمبرگ بعد از چهل سال» مجله حقوقی، شماره ۹، ۱۳۶۷

۹. کارستن استان، «معافیت نیروهای حافظ صلح دولتهای غیر عضو اساسنامه رم از از

صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین المللی» (ترجمه سید حسام الدین لسانی) مجله حقوقی، شماره

سی و دوم، ۱۳۸۴.



English resource

A. Books

1. Shotton, Anna, **A Strategy to Address Sexual Exploitation by U.N. Peacekeeping Personnel**, 39 *CORNELL L. REV.* 97, 103, 2006.

B. Articles

1. Jain, Neha, *A Separate Law for Peacekeepers: The Clash between the Security Council and the International Criminal Court*, *The European Journal of International Law*, Vol. 16 no.2 © EJIL 2005.

2. Notar, Susan A. "Peacekeepers as Perpetrators: Sexual Exploitation and Abuse of Women and Children in the Democratic Republic of the Congo." *American University Journal of Gender, Social Policy & the Law*. 14, no. 2 (2006).

3. ,,,,,,, ,,,,,, ,, rr ssssssss ss iii??Psss ggggggggeeeeeeeee ee for war crimes and crimes against humanity in the International Criminal Court-lll eeee eee eee,,, **ARC Centre of Excellence in Policing and Security**, Griffith University, 2012.

4. ,,,,,,, ,, ,, ccccæc (8(2) ff eee oome ::::: :::: sssss Original Intent, **Journal of Interernational Law Crime Just 3(2)**, 2005.

5. ,,,,,, ,, ,, ,, e eeeeeeeeeee ff tttttt t llllll llll ooooo 1422 (2002), **European Journal of International Law**, Vol. 14, No 1, 2003.

6. ,,,,,, ,, ,, ,, ,, , SSSS SSSSS SS E DDDD DDD'''' ' **civilians in conflict policy**, brief no. 1, 2015.

7. uuuuuuuu uuu eeeee eeeeeeeee eeeeeee e rrrr rrrrrrrrrrr l Humanitarian Law for United Nations and North Atlantic Treaty tttttttt ttt eeeee rrrrrr r pp ooooooo **Leiden Journal of International Law**, 2004.

C. Sites

1. <http://www.unic-ir.org>.
<http://www.un.org/en/peacekeeping/operations/peacekeeping>